

Ulumhadith

Twenty-Nine No 2

Summer (June2024-Sep2024)

فصلنامه علمی علوم حدیث

سال بیست و نهم شماره ۲ (پیاپی ۱۱۲)

تابستان، ص ۵۴ - ۷۱

معناشناسی توکل با تکیه بر خانواده احادیث توکل با هدف تبیین موضوع حکم فقهی - اخلاقی - تربیتی

احسان خلیلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۹

چکیده

در آثار اسلامی رویکردهای متفاوتی در تعریف توکل هست که هریک با ذوق عرفانی و مشرب علمی صاحب نظرانش تعریفی ارائه شده است و حتی گاهی از تعریف آن صرف نظر کردند؛ در نتیجه، جای خالی پژوهشی مستقل در معناشناسی توکل برپایه آیات و روایات (منابع اصلی شریعت) احساس می شود. این پژوهش با روش تحقیق کیفی متن محور در شاخه توصیفی - تحلیلی با تحلیل آیات و روایات به این مسأله پرداخته است. این نوشتار برای دستیابی به همه جوانب توکل از روش تشکیل خانواده حدیث بهره گرفته است. هدف دیگر نوشتار تنقیح موضوع حکم فقهی توکل بر مبنای نظریه فقه الاخلاق است. مطابق یافته ها توکل بر دویایه ایمان و یقین استوار است. با تحقق ایمان و یقین به قدرت خدا و ناتوانی خود، احساس نیاز به واگذاری امور به خدا در انسان پیدا می شود. سپس با واگذاری امور به خداوند متعال توکل تحقق می یابد. از دستاوردهای دیگر این نگاشته این است که توکل از غیر خدا نفی و نهی شده است و متوکل علیه تنها بر خداوند متعال تعین دارد. همچنین مطابق یافته ها توکل سه مرتبه دارد: اول. توکل در ترک کسب و کار و توکل بر غیر خدا، دوم. توکل در مقام ترس و اضطراب، سوم. توکل در مقام اطمینان.

کلیدواژه ها: توکل، معناشناسی توکل، مراتب توکل، خانواده حدیث، خانواده احادیث توکل، موضوع حکم فقهی، حکم فقهی - اخلاقی، حکم فقهی - تربیتی.

۱. مقدمات

۱-۱. بیان مسأله

توکل از فضایل اخلاقی والا و برجسته در آیات و روایات و منابع اسلامی معرفی شده

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، رشته فقه و اصول (ehkh14@gmail.com).

است. با مراجعه به آثار اسلامی و بررسی رویکردهای مختلف در تعریف توکل تعریف نیکو و دقیقی برای آن یافت نمی‌شود که برپایه موازین علمی و ضوابط دقیق معناشناسی باشد. «اعتماد قلبی به خدا»^۱، «ترک کسب و کار»^۲، «واگذاری تمام امور به مالکش»^۳، «بریدن از غیر خدا»^۴ و تعابیر دیگر^۵، برخی از مهم‌ترین تعابیری است که برای ماهیت توکل ارائه شده است که از آن‌ها ماهیت روشنی برای توکل به دست نمی‌آید. برخی صاحب‌نظران نیز بحث در مفهوم را لازم ندانستند و از تعریف توکل عبور کردند.^۶

در این نوشتار سعی شده است که با مراجعه به آیات و روایات توکل و تشکیل خانواده حدیث با روایات مشابه و هم‌محور ابعاد مختلف این فضیلت نیکو تحلیل و معنا و مراتب آن از منظر آیات و روایات روشن شود. پس هدف مهم این نگاشته دستیابی به معنای توکل و مراتب آن است. در نتیجه، پرسشی که این نوشتار به دنبال پاسخ آن برآمده، این است که «معنای توکل و مراتب آن در آیات و روایات با تکیه بر خانواده حدیث توکل چیست؟».

هدف دیگری که این نوشته به دنبالش است، تبیین و تنقیح موضوع حکم توکل علی الله از منظر فقهی است که پیش از این در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اکتساب توکل از منظر فقه الاخلاق»^۷ حکم فقهی توکل بررسی شده است. با روشن شدن ماهیت توکل در آیات و روایات موضوع حکم فقهی آن از جهت بُعد مفهومی توکل در آیات و روایات نیز روشن می‌شود. به همین دلیل، این نگاشته رویکرد فقهی دارد و در حوزه پیوندهای فقه با اخلاق و تربیت به شمار می‌رود.^۸ همچنین این نوشتار از یک سو با علم اخلاق^۹ و از سوی دیگر با علوم

۱. «التوکل اعتماد القلب فی جمیع الأمور علی الله. وبعبارة أخرى: حواله العبد جمیع أموره علی الله، وبعبارة أخرى: هو التبری من کل حول وقوة، والاعتماد علی حول الله وقوته» (جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۱۹؛ معراج السعادة، ص ۷۸۰). «التوکل اعتماد القلب علی الله تعالی مع عدم الاضطراب عند فقد الأسباب الموضوعة فی العالم التی من شأن النفوس أن ترکن إليها، فإن اضطرب فلیس بمتوکل» (الفتوحات المکیة، ج ۲، ص ۱۹۹؛ المحجة البیضاء، ج ۷، ص ۴۰۵ - ۴۰۶؛ احیاء علوم الدین، ج ۱۳، ص ۱۸۲ - ۱۸۳).

۲. الاخلاق، ص ۲۷۶.

۳. شرح منازل السائرین (متن خواجه انصاری)، ص ۲۷؛ شرح منازل السائرین (کاشانی)، ص ۹۴.

۴. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۹۳.

۵. تاج العروس، ج ۱۵، ص ۷۸۶؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

۶. «معانی مذکوره متقارب در معنا هستند و بحث در مفهوم لزومی ندارد» (شرح چهل حدیث، ص ۲۱۴-۲۱۵).

۷. «بررسی اکتساب توکل از منظر فقه الاخلاق»، ش ۱۲، ص ۷۵-۹۴.

۸. در این موضوع مقاله‌ای با عنوان: «گسترش موضوع فقه نسبت به رفتارهای جوانی» نگاشته شده است.

۹. احیاء علوم الدین، جامع السعادات، المحجة البیضاء.

مرتبط با فهم حدیث^۱ و نیز با استنباطات فقهی و قواعدش در اصول فقه^۲ ارتباط دارد.

۲-۱. روش پژوهش

این مقاله از روش تحقیق کیفی در شاخه توصیفی-تحلیلی بهره گرفته است. این مقاله بر محور متن آیات و روایات مرتبط با توکل و با تحلیل و توصیف آن‌ها درصدد شناخت چیستی توکل و مراتبش از منظر آیات و روایات است. در این پژوهش با گدواژه «توکل» و برخی واژه‌های هم‌ریشه از «وک.ل» (توکلوا، توکلث، متوکل، وکیل، و...) به جستجوی آن در میان آیات و روایات پرداختیم. سپس با جمع‌آوری آیات و روایات به دست آمده مواردی را گزینش کردیم که درصدد ارائه معنا و مفهومی از توکل هستند و از این فضیلت اخلاقی نوعی شناخت ماهوی ارائه می‌دهند. پس از آن، با بهره‌گیری از آیات و روایات، بر پایه قواعد تشکیل خانواده حدیث^۳، به تحلیل و تبیین معنای توکل از منظر آیات و روایات پرداختیم و با کمک از قواعد استنباط فقهی و ضوابط علم اصول فقه در تحلیل متن^۴ در تحلیل و استظهار از متن آیات و روایات برای شناخت توکل پیش رفتیم.

نکته دیگری که با تحلیل و بررسی آیات و روایات توکل بر پایه این روش به دست آمد، مراتب توکل بود که در سه مقام قرار گرفت. اول. توکل در ترک کسب و کار یا توکل بر غیر خدا، دوم. توکل در مقام ترس و اضطراب، سوم. توکل در مقام اطمینان. در بخش یافته‌های تحقیق حاصل این روش با جزییاتش به تفصیل خواهد آمد.

۳-۱. تعریف مفاهیم

۳-۱-۱. توکل

این واژه در لغت به معنای «واگذاری و تفویض» است.^۵ در اصطلاح، همان طور که در بیان مسأله گذشت، تعاریف مختلفی از آن شده است. ابن عربی، غزالی، نراقی‌ها، فیض کاشانی و برخی با کمی تفاوت به «اعتماد قلبی به خدا»^۶ معنا کرده‌اند و تعاریف دیگری

۱. درسنامه فهم حدیث.

۲. اصول الفقه؛ دروس فی علم الأصول، الحلقة الثالثة.

۳. درسنامه فهم حدیث.

۴. اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۳؛ دروس فی علم الأصول، الحلقة الثالثة، ص ۱۷۹.

۵. کتاب العین، ج ۵، ص ۴۰۵؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۴۴.

۶. «التوکل اعتماد القلب فی جمیع الأمور علی الله. وبعبارة أخرى: حواله العبد جمیع أموره علی الله، وبعبارة أخرى: هو التبری من کل حول وقوة، والاعتماد علی حول الله وقوته» (جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۱۹؛ معراج السعادة، ص ۷۸۰). «التوکل اعتماد القلب علی الله تعالی مع عدم الاضطراب عند فقد الأسباب الموضوعة فی العالم التي من شأن النفوس أن ترکن إليها، فإن اضطرب فلیس بمتوکل» (الفتوحات المکیة، ج ۲، ص ۱۹۹؛ المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۴۰۵ - ۴۰۶؛ احیاء علوم الدین، ج ۱۳، ص ۱۸۲ - ۱۸۳).

مانند: «ترک کسب و کار»^۱، «واگذاری تمام امور به مالکش»^۲ و «بریدن از غیر خدا»^۳ نیز وجود دارد که هر کدام بر پایه مباحث عرفانی، لغوی یا تعریف به لوازم توکل، سعی در ارائه تعریفی از آن داشته‌اند که نمی‌تواند تعریف جامعی از این فضیلت شریف باشد. برخی از بزرگان اخلاق نیز بحث در مفهوم توکل را لازم ندانستند و عبور کردند.^۴ در این نوشتار به معنای آن در آیات و روایات دست خواهیم یافت.

۱-۳-۲. خانواده حدیث

این ترکیب اصطلاحی است که متخصصین معاصر در علوم حدیثی بنا گذاشته‌اند. به کنار هم قراردادن احادیث هم‌مضمون، هم خانواده و مرتبط با یکدیگر که بر محور یک موضوع از ناحیه معصومین (علیهم‌السلام) صادر شده و به دست ما رسیده است، تشکیل خانواده حدیث گفته می‌شود.^۵ این اصطلاح در مقابل احادیث ناسخ و معارض قرار دارد. تشکیل خانواده حدیث با هدف شناخت یک موضوع محوری و نسبت دادن نتیجه آن به شرع مقدس انجام می‌گیرد و می‌توان آن را حجت دانست.^۶ در این روش از تک‌نگاره‌ای دیدن احادیث پرهیز شده و آن‌ها در یک مجموعه واحد دیده می‌شود تا نتیجه جامع‌تر و کامل‌تری به دست آید.^۷

۱-۳-۳. موضوع حکم فقهی - اخلاقی - تربیتی

موضوع حکم در فقه و اصول در معانی و اصطلاحات مختلفی به کار می‌رود. مکلف،^۸ متعلق حکم،^۹ مجموع قیود لازم برای فعلیت حکم^{۱۰} از مواردی است که اصطلاح موضوع حکم در آن به کار رفته است. مراد از موضوع در این نوشتار «متعلق حکم» است؛ یعنی آن چه حکم تکلیفی بر آن استوار شده یا به آن تعلق گرفته است؛ مثلاً وجوب نماز یا روزه یکی از احکام شرعی است که مطابق این اصطلاح وجوب (حکم تکلیفی) به نماز یا روزه تعلق

۱. الأخلاق، ص ۲۷۶.

۲. شرح منازل السائرین (متن خواجه انصاری)، ص ۲۷؛ شرح منازل السائرین (کاشانی)، ص ۹۴.

۳. مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۹۳.

۴. معانی مذکوره متقارب در معنا هستند و بحث در مفهوم لزومی ندارد (شرح چهل حدیث، ص ۲۱۴-۲۱۵).

۵. درسنامه فهم حدیث، ص ۱۳۲-۱۳۳.

۶. همان، ص ۱۴۱.

۷. «نقش تشکیل خانواده حدیث در فهم حدیث».

۸. فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۸۸.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۸۸.

۱۰. معجم المصطلحات الأصولیة، ص ۱۶۲.

گرفته است و به نماز و روزه موضوع حکم یا متعلق حکم گفته می‌شود. در این نگاشته نیز وجوب یا رجحان به موضوع «توکل» تعلق گرفته است و «توکل» در این جا موضوع یا متعلق حکم فقهی است.^۱ از آن جا که توکل از عناصر اخلاقی - تربیتی است، حکمش حکم فقهی - اخلاقی - تربیتی است که در علم فقه رایج و مصطلح نیست، اما برخی صاحب نظران معاصر معتقدند که باید باب یا ابواب جدیدی در فقه گشود که عناصر اعتقادی، اخلاقی و تربیتی را به سنجه فقه درآورده و حکم تکلیفی آن‌ها تبیین شود.^۲

۱-۳-۴. پیشینه

«توکل علی الله» از مواردی است که در بیشتر آثار علوم اسلامی، به ویژه علم اخلاق، به آن پرداخته شده است. در این میان، برخی صاحب نظران بر ارائه تعریفی از این فضیلت اخلاقی اهتمام ورزیدند که مهم ترین آن‌ها در بخش تعریف مفهوم توکل بیان شد و نیازی به تکرارش نیست. آن چه در این بخش باید بدان اشاره کرد، تک نگاره‌های «توکل» در قرون پیشین و آثار دانشمندان متأخر و معاصر است که در زمینه «توکل» قلم زده‌اند.

در موضوع «التوکل علی الله» آثار نوشتاری فراوانی از دانشمندان، به ویژه دانشمندان معاصر، به چشم می‌خورد که به برخی موارد اشاره می‌شود: «التوکل علی الله» از ابن ابی الدنيا (قرن سوم)، دو عنوان «تردید و توکل» و «توکل و نقش آن در اجتماع» از آیه الله دستغیب، «توکل از دیدگاه قرآن» از آیه الله بهشتی - که بخشی از سخنرانی ایشان در خصوص توکل است -، دو عنوان «التوکل علی الله و الاخذ بالاسباب» و «قاعدة فی الرد علی الغزالی فی التوکل» از احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، «التوکل» اثر یوسف قرضاوی، «التوکل» (سبیل - ثمره - حقیقه) تألیف احمد خلیل جمعه، «التوکل علی الله فی القرآن الکریم، دراسة فی التفسیر الموضوعی» از معتوقه بنت محمد حسن بن زید بن الحسان الحسانی، «توکل به خدا: راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان» نوشته محمد صادق شجاعی، «توکل و رابطه آن با توسل» اثر سید محمد ضیاء آبادی، «توکل راهی به سوی آرامش» نگاشته یدالله طاهری، «توکل و دل بستگی به خدا و نقش آن در تقویت روح و روان» نوشته جلیل باباپور و مهدی پروین زاده، «نقش و جایگاه توکل در زندگی از منظر قرآن و نهج البلاغه» تألیف اشرف

۱. مبنای مهم این نوشتار تعلق احکام تکلیفی به صفات باطنی و افعال جوانحی است که نظریه «فقه الاخلاق» به طور مبسوط به آن پرداخته است (رک: «گسترش موضوع فقه نسبت به رفتارهای جوانحی»).

۲. همان.

شکوری، «کاربرد توکل در تحمل افزایی از دیدگاه قرآن» نوشته زینب پرهیزگار، «توکل و آرامش» اثر محمد شجاعی، «توکل» به قلم رضا رفائی و آثار فراوان دیگری که در سال‌های اخیر نگارش یافته است. قریب به اتفاق این نوشته‌جات ارزشمند بر تبیین و تحلیل چیستی توکل اهتمام ورزیدند، ولی نگاشته‌ای یافت نشد که به طور مستقل با رویکرد تشکیل خانواده حدیث به تبیین ماهیت توکل و مراتب و ابعاد آن از نگاه مجموعه آیات و روایات پردازد.

همچنین در میان مقالات و پژوهش‌های متأخر نیز تلاش‌های فاخری در زمینه توکل و مسائل مربوط به آن صورت گرفته است که به برخی موارد اشاره می‌شود:

مقاله «تبیین ضرورت و چرایی توکل به خداوند متعال بر مبنای تحلیل محتوای آیات قرآن کریم» نوشته فتاحی زاده و همکارانش با روش تحلیل محتوای آیات قرآن کریم به ضرورت توکل بر خداوند پرداخته است. این مقاله در چکیده‌اش مفهوم توکل را از واژگان دارای ابهام در نظام معارف اسلامی دانسته و براساس این گزاره نتیجه می‌گیرد که باید در پژوهشی مستقل به تبیین ضرورت توکل بر خدا با تحلیل آیات قرآن کریم پرداخته شود.

فارغ از اشکال ناسازگاری نتیجه از گزاره مذکور، این نوشتار تنها به تحلیل آیات بسنده کرده است و اشاره‌ای به استمداد از روایات برای تبیین مفهوم توکل ندارد. براساس ابهامی که درباره توکل در چکیده مقاله فتاحی زاده اشاره شد، انتظار می‌رفت که تبیین مفهوم توکل از نگاه آیات و روایات در دستور کار این مقاله قرار گیرد، نه آن که به ضرورت آن پردازد که شاید هیچ کمک شایانی به رفع ابهام از مفهوم توکل نکند. آن چه در این نوشتار به دنبالش هستیم تبیین مفهوم و ماهیت توکل از مجموعه آیات و روایات است.

مقاله دیگری که به موضوع توکل پرداخته است، نوشته خلیلی و همکارانش با عنوان «بررسی اکتساب توکل از منظر فقه الاخلاق» است. این مقاله نیز درصدد بررسی فقهی حکم توکل برآمده و وجوب مراتب اول توکل و رجحان مراتب بالاتر آن را نتیجه گرفته است. در این نوشته تبیین مفهوم توکل و پرداختن به ماهیت آن از منظر آیات و روایات به چشم نمی‌خورد. وی همچنین در مقاله‌ای دیگر با عنوان «واکاوی معنای باب تفاعل در واژه توکل با هدف تبیین موضوع حکم فقهی - اخلاقی - تربیتی» به تبیین بخشی از مفهوم توکل می‌پردازد و از منظر معنای باب تفاعل آن را تبیین کرده است، ولی نگاهی به آیات و روایات توکل برای تبیین ماهیت آن ندارد.

در نگاشته حاضر تلاش شده تا با مراجعه به آیات و روایات و کنار هم قراردادن گزاره‌های

رسیده از جانب شرع مقدس اسلام ماهیت این فضیلت اخلاقی روشن شود. در مقاله دیگری با عنوان «بررسی مفهوم توکل و آثار آن بر زندگی اجتماعی انسان‌ها» نوشته بهشتی و نودهی در این موضوع قلم زده شده است. در این مقاله نگاهی آماری به «توکل» در قرآن کریم شده است، سپس این واژه از منظر لغوی و اصطلاحی تبیین مختصری شده است. پس از آن، آثار فردی و اجتماعی توکل بررسی می‌شود. این نگاشته نیز هر چند عبارت «بررسی مفهوم توکل» در عنوانش آمده، ولی تلاش وافی و کاملی برای تحلیل و تبیین مفهوم آن صورت نگرفته است. در میان آثار، کتب و مقالاتی که در پیشینه این تحقیق بررسی شد، نوشته‌ای یافت نشد که بتواند از عهده تبیین معنای توکل در آیات و روایات برآید؛ به ویژه با رویکرد تشکیل خانواده حدیث و کناره‌م قرار دادن تمام آیات و احادیثی که روشن‌گر ماهیت توکل است، دیده نمی‌شود. در این نوشتار تلاش شده این خلأ جبران شود و تبیین معنای توکل و مراتبش از منظر آیات و روایات انجام گیرد.

۲. یافته‌های تحقیق

در بیان مسأله این نوشتار آمد که تعاریف ارائه شده برای توکل از سوی علما و دانشمندان ماهیت روشنی از این فضیلت اخلاقی ارائه نمی‌دهد. بر همین اساس، پژوهشی مستقل شکل گرفت که حاصلش در این نوشتار می‌آید. در این بخش به دنبال یافتن پاسخ پرسشی هستیم که در بخش بیان مسأله گفته شد که عبارت بود از: «معنای توکل و مراتب آن در آیات و روایات با تکیه بر خانواده حدیث توکل چیست؟» اکنون با توجه به تکمیل مقدمات بحث باید به این پرسش پاسخ داده شود. در ادامه به آیات و روایاتی پرداخته می‌شود که می‌تواند در روشن شدن معنای توکل اثری داشته باشد و با تحلیل آن‌ها تلاش می‌شود که معنای توکل و مراتب آن از منظر آیات و روایات توکل روشن شود.

۲-۱. مفهوم‌شناسی توکل از منظر آیات و روایات

در برخی روایات توکل عباراتی به کار رفته که می‌تواند به روشن شدن معنا و ماهیت آن کمک کند. روایات معتبری که چنین ویژگی دارند، عبارت‌اند از:

روایت اول

عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ يُونُسَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ، فَقَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِنَّمَا هُوَ الْإِسْلَامُ، وَالْإِيمَانُ فَوْقَهُ بِدَرَجَةٍ، وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ، وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ، وَلَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ النَّاسِ شَيْءٌ

أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ. قَالَ: قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ الْيَقِينُ؟ قَالَ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَالتَّسْلِيمُ لِلَّهِ، وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالتَّفْوِضُ إِلَى اللَّهِ...^۱

روایت دوم

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الثَّوْقَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَرْكَانٌ: الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَالتَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَالتَّفْوِضُ الْأَمْرَ إِلَى اللَّهِ، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ.^۲

در روایت اول، در تبیین «یقین» توکل بر خداوند آمده است و در روایت دوم، در تبیین «ارکان ایمان» آمده است. بنابراین، توکل با ایمان و یقین رابطه دارد؛ همان گونه که در دعای امام سجاده علیه السلام یقین و ایمان با توکل پیوند داده شده است:

أَسْأَلُكَ ... يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ، وَتَوَكَّلَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ.^۳

از ظاهر دو روایت چنین استفاده می شود که برای تعریف ایمان و یقین حد منطقی بیان نشده، بلکه بیان مصداق شده است یا به عبارت دقیق تر، تعریف به «بروزات» شده است؛ زیرا مفهوم ایمان و یقین، غیر از مفهوم توکل است؛ ولی با تأمل بین آن ها به نظر می رسد، توکل از بروزات ایمان و یقین باشد. بنابراین، ظاهر روایات نشان می دهد ایمان و یقین در بروز توکل نقش دارد. پس این دو قوام دهنده فعل توکل به شمار می روند.

با توجه به این روایات و استدلال بیان شده، ماهیت توکل از دو عنصر «ایمان» و «یقین» تشکیل شده است؛ به گونه ای که اگر یکی از این دو عنصر در شخص نباشد، اساساً فعل توکل از وی صادر نمی شود.

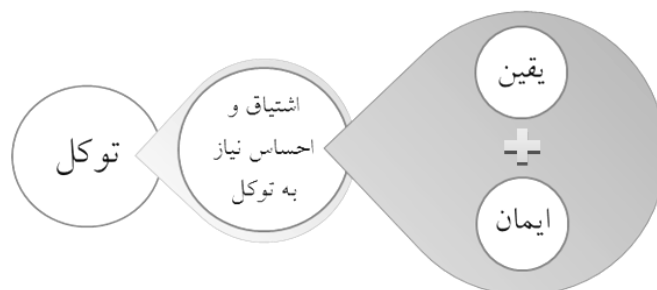
این نکته نیز قابل توجه است که تنها با تحقق این دو عنصر، توکل صادر نمی شود، بلکه این دو سبب پیدایش حالتی انفعالی در نفس می شود که همان احساس نیاز به توکل است. توضیح، آن که وقتی قدرت خدا و ناتوانی خود را در امور مختلف می بیند (ایمان و یقین پیدا می کند)، احساس نیاز به واگذاری امور به خدای قادر و عالم در او پدید می آید. پس برای

۱. الکافی، ج ۲، ص ۵۲.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۶. همچنین این روایت از امام رضا علیه السلام هم نقل شده، اما سندی برایش ذکر نشده است (قرب الإسناد، ص ۳۵۴).

۳. صحیفه سجادیه علیه السلام، دعای ۵۴.

انجام آموزش به خدا اعتماد می‌کند و آموزش را به او می‌سپارد. وجود مرحله احساس نیاز بین پیدایش ایمان و یقین تا تحقق توکل نیز دلیلش روشن است؛ زیرا پیش از اراده هر فعلی توسط انسان، ابتدا باید احساس نیاز به انجام آن کار در او پیدا شود و سپس به انجام آن مبادرت ورزد. به عبارتی، صدور توکل وابسته به اراده انسان است و آن نیز پس از احساس نیازی که وابسته به ایمان و یقین است، حاصل می‌شود.^۱ در نتیجه، انسان با ایمان و یقین به قدرت پروردگار و ناتوانی خود در برابر امور مختلف، این زمینه در نفس او پیدا می‌شود تا آموزش را به خداوند متعال بسپارد.



شکل ۱: رابطه توکل با ایمان و یقین

۲-۲. تعین «متوکل علیه» (وکیل) بر خداوند متعال

در کتب اهل لغت درباره متعلق توکل - که با حرف «علی» به آن تعلق می‌یابد - سخنی به میان نیامده است و چه بسا بررسی آن خارج از وظیفه لغوی باشد،^۲ ولی در قرآن کریم از توکل

۱. در فلسفه اسلامی برای صدور هر فعل ارادی چهار مرحله بیان شده است: تصور، تصدیق به فایده، اشتیاق به انجام فعل و اراده فعل (الحکمة المتعالیة، ج ۲، ص ۲۵۱؛ التعليقات علی الشواهد الربوبیة، ص ۶۵۱). احساس نیازی که در این قسمت بیان شد، منطبق با مرحله اشتیاق به انجام فعل است؛ همان اشتیاق به واگذاری امور به خداوند است که با تعبیر احساس نیاز به این مرحله اشاره شد.

۲. برخی عبارات اهل لغت نشان می‌دهد که نسبت به این نکته توجهی نداشتند مانند: التَّوَكُّلُ: إظهارُ الْعِزِّ وَالْاعْتِمَادُ علی غیرک (الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۴۵). مشابه آن در مقایس آمده است (معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۶). تَوَكَّلْتُ علیه [فلان] بمعنی: اعتمدته (مفردات ألفاظ القرآن، ص ۸۸۲). این عبارات و مانند آن، نشان می‌دهد که اهل لغت نسبت به بررسی متعلق توکل یا غفلت داشتند یا آن را امری اصطلاحی دانسته و خارج از دایره معنای لغوی آن دانستند و از بررسی آن صرف نظر کردند.

بر غیر خداوند متعال نهی شده است:

﴿وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا﴾^۱

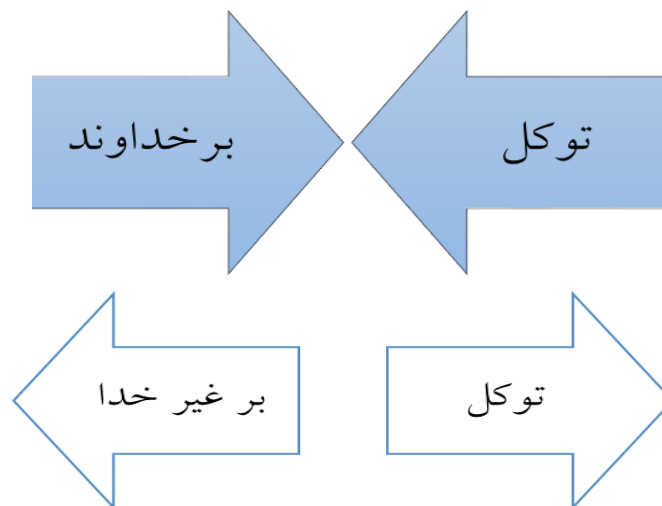
و همچنین در طایفه ای از آیات، وکالت از غیر خدا مانند انبیا و اولیا نفی شده است:

﴿وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾^۲

بنابراین با توجه به این آیات شریف و برخی روایات^۳ مانند:

يَا عِيسَى... تَوَكَّلْ عَلَىٰ أَثْفِكَ، وَلَا تَوَكَّلْ عَلَىٰ غَيْرِي، فَآخُذْ لَكَ...^۴

توکل تنها بر خداوند متعال متعین می شود و بر غیر خداوند متعال توکل نفی و نهی شده است. پس نه تنها توکل بر غیر خدا جایز نیست، بلکه اگر این مجموعه آیات و روایات را در صدد بیان ماهیت توکل بدانیم، اصلاً مفهوم توکل بر آن صدق نمی کند.



شکل ۲: انحصار متوکل علیه در خداوند متعال

۱. سوره اسراء، آیه ۲.

۲. سوره زمر، آیه ۴۱؛ سوره شوری، آیه ۶؛ سوره انعام، آیه ۱۰۷. با عباراتی مشابه در دیگر آیات نیز تکرار شده است: سوره یونس، آیه ۱۰۸؛ سوره اسراء، آیه ۵۴؛ سوره اسراء، آیه ۶۸؛ سوره انعام، آیه ۶۶.

۳. از مضمون برخی روایات می توان چنین برداشت کرد که توکل بر غیر خدا مذموم است (الکافی، ج ۲، ص ۶۶، ح ۷؛ ج ۲، ص ۶۰-۶۱، ح ۴).

۴. همان، ج ۸، ص ۱۳۲؛ تحف العقول، ص ۴۹۶.

۲-۳. مراتب توکل

استعمالات قرآنی و روایی نشان می‌دهد که حقیقت توکل امری تشکیکی و ذومراتب است. مرحوم خواجه در منازل السائرین تلاش کرده تا نوعی مراتب و درجات برای توکل ترسیم کند که تا حدودی به استعمالات قرآنی نزدیک است. وی مرتبه اول توکل را با نوعی خودبینی و شرک خفی همراه می‌داند که هر چه معرفت او بیشتر می‌شود، این خودبینی رنگ باخته و سلطنت و تدبیر خداوند در عالم، بیشتر نمایان می‌شود.^۱ بنابراین، در مراتب ابتدایی متوکل «خود»ی می‌بیند که به خدا امری را می‌سپارد، ولی در مراتب بالاتر خودی نمی‌بیند و فقط اعتماد و وثوق به باری تعالی است.

وقتی از زاویه کشف مراتب توکل به آیات و روایات مراجعه شد، پس از بررسی و کنار هم قرار دادن آن‌ها این نکته به دست آمد که توکل در سه مقام به کار می‌رود:

۲-۳-۱. مقام اول. ترک کسب و کار و توکل بر غیر خدا

توکل در این مقام مذموم شمرده شده است که دو مصداق دارد:

۲-۳-۱-۱. توکل بر غیر خدا

توکل بر غیر خدا از دایره توکل علی الله خارج است و در آیات و روایات از آن نهی شده است.

﴿وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا﴾.^۲

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِيَمَا وَعَظَ اللَّهُ ﷺ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عِيسَى... تَوَكَّلْ عَلَى أَكْفِكَ، وَلَا تَوَكَّلْ عَلَى غَيْرِي، فَأَخَذَ لَكَ...^۳

۱. هو علی ثلاث درجات، کلها تسیر مسیر العامة. الدرجة الأولى التوکل مع الطلب و معاطاة السبب، علی نية شغل النفس، و نفع الخلق، و ترک الدعوى الدرجة الثانية التوکل مع إسقاط الطلب و غرض العين عن السبب، اجتهدا فی تصحيح التوکل و قمع تشرف النفس، و تفرغا إلى حفظ الواجبات الدرجة الثالثة التوکل مع معرفة التوکل النازعة إلى الخلاص من علة التوکل؛ و هو أن يعلم أن ملكة الحق تعالی للأشياء ملكة عزة، لا يشاركه فيها مشارك، فیکل شرکته إليه. فإن من ضرورة العبودية أن يعلم العبد أن الحق هو مالک الأشياء وحده (شرح منازل السائرین (متن خواجه انصاری)، ص ۲۷؛ شرح منازل السائرین (کاشانی)، ص ۹۴).

۲. سورة اسراء، آیه ۲.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۱۳۲؛ تحف العقول، ص ۴۹۶؛ سند دیگری از این روایت در الامالی صدوق آمده است: «حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه الْقُمِيُّ ﷺ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ ﷺ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمْعِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ قَالَ: كَانَ فِيَمَا وَعَظَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ ﷺ أَنْ قَالَ لَهُ: يَا عِيسَى... (الامالی، ص ۵۱۵).

درباره توکل بر غیر خدا در قسمت قبل (تعین «متوکل علیه» بر خداوند متعال) سخن به میان آمد و شواهد بیشتری نیز آورده شد.

۲-۳-۱. توکل در ترک کسب و کار

توکل بر خدا در جایی که کسب و کار را رها کند. چنین توکلی نیز در روایات مذمت شده است. روایتی از رسول خدا ﷺ آمده است که توکل را از کسانی که زراعت خود را رها کرده اند، نفی می کند و آن ها را سربار جامعه معرفی می کند:

رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَوْمًا لَا يَزْرَعُونَ قَالَ: مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ. قَالَ: لَا جَلَ أَنْتُمْ الْمُتَكِلُونَ.^۱

روایت دیگری نیز از امام علی علیه السلام به همین مضمون نقل شده است:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ مَرَّ يَوْمًا عَلَى قَوْمٍ، فَرَأَاهُمْ أَصْحَاءَ جَالِسِينَ فِي زَاوِيَةِ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: مَنْ أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ. قَالَ: لَا بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَأَكِّلَةُ، فَإِنْ كُنْتُمْ مُتَوَكِّلِينَ فَمَا بَلَغَ بِكُمْ تَوَكُّلُكُمْ. قَالُوا: إِذَا وَجَدْنَا أَكَلْنَا، وَإِذَا فَقَدْنَا صَبَرْنَا. قَالَ: هَكَذَا تَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا. قَالُوا: فَمَا تَفْعَلُ؟ قَالَ: كَمَا نَفْعَلُ. قَالُوا: كَيْفَ تَفْعَلُ؟ قَالَ: إِذَا وَجَدْنَا بَدَلْنَا، وَإِذَا فَقَدْنَا شَكَرْنَا.^۲

براساس هردو روایت، رها کردن کسب و کار با توکل سازگار نیست و در چنین مقامی توکل مذمت شده است.

۲-۳-۲. مقام دوم. ترس و اضطراب

مقام ترس و اضطراب دومین مرتبه از توکل است که برخی آیات به آن اشاره دارند؛ از جمله:

﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانْكُرْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾.^۳

دوم:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۲۲۰؛ با کمی تفاوت، همان، ج ۷، ص ۲۱۷؛ روض الجنان، ج ۲، ص ۳۲۳ و ج ۱۹، ص ۱۲۶.

۳. سوره مائده، آیه ۲۳.

﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾.^۱

سوم:

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾.^۲

چهارم:

﴿إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾.^۳

از ظاهر هر کدام از این آیات شریف چنین برمی آید که مؤمنین در نوعی ترس یا مصیبت قرار گرفته اند. سپس در چنین حالت و مقامی به توکل و واگذاری امور به خداوند قادر متعال دستور داده شده است.

۲-۳-۳. مقام سوم. اطمینان

توکل در جایی که انسان نسبت به امور و تصمیم خود اطمینان دارد. این اطمینان می تواند ناشی از اعتمادی باشد که به تدبیر پروردگار و سلطنت او بر امورات عالم دارد؛ مانند آن چه درباره توکل انبیا علیهم السلام در قرآن کریم نقل شده است؛ از جمله:

﴿وَإِذْ قَالَ نُوحٌ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجِيعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ﴾.^۴

دوم:

﴿قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِباً إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْماً عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾.^۵

۱. سوره مجادله، آیه ۱۰.

۲. سوره توبه، آیه ۵۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۲۲.

۴. سوره یونس، آیه ۷۱.

۵. سوره اعراف، آیه ۸۹.

آیه اول درباره توکل حضرت نوح علیه السلام است که با اطمینان، رو به مخالفان می‌فرمایند که من به خدا توکل کردم، پس شما هر چه می‌توانید، به کار بگیرید! این بیان نشان می‌دهد که در مقام اطمینان از کار خود به خداوند متعال توکل می‌کند. در آیه دوم نیز حضرت شعیب علیه السلام با قاطعیت و اطمینان می‌فرماید که برآیین شما کفار و مشرکین بر نمی‌گردیم و برخدا توکل می‌کنیم.

در هر دو آیه، برکار و تصمیم خود اطمینان دارند و در عین حال، به خداوند متعال توکل می‌کنند و همین توکل نیز بر اطمینان ایشان می‌افزاید. مراتب توکل را می‌توان در شکل زیر به تصویر کشید.

مرتبۀ سوم. توکل در مقام اطمینان

مرتبۀ دوم. توکل در مقام ترس

مرتبۀ اول. توکل بر غیر خدا / توکل در ترک کسب و کار

شکل ۳: مقامات توکل

۳. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این نوشتار به دنبال معناشناسی توکل در آیات و روایات با هدف تبیین موضوع حکم فقهی توکل بود. با این هدف، به جمع‌آوری و تحلیل آیات و روایاتی که نمایان‌گر زوایای مفهومی و ماهوی توکل است، پرداخت و با روش تشکیل خانواده حدیث و کنار هم قراردادن احادیث مشابه و هم‌مضمون در موضوع محوری توکل به دستاورد مهمی در عرصه تبیین معناشناسی توکل و مراتب آن دست یافت.

ابتدا با بررسی برخی روایات روشن شد که توکل از دو مؤلفه ایمان و یقین تشکیل شده است.

با ایمان و یقین به قدرت پروردگار و عجز خود، احساس نیاز به خدا در انسان تقویت می‌شود و انسان آموزش را به خداوند متعال واگذار می‌کند که در این مرحله توکل محقق می‌شود. در ادامه، با بررسی آیات قرآن کریم و روایات، یافتیم که توکل بر غیر خدا در آیات و روایات نهی شده است و «متوکل علیه» تنها بر خداوند متعال تعین دارد. سپس با بررسی جایگاه‌هایی که آیات و روایات دستور، نهی یا توصیه‌ای درباره توکل داشت، به مراتب توکل دست یافتیم. توکل در سه مقام مراتبی دارد: مقام اول، توکل در ترک کسب و کاریا توکل بر غیر خدا بود که در این مقام توکل نهی شده است؛ مقام دوم، توکل در مقام ترس و اضطراب بود که در آن دستور به توکل آمده است و آیات متعددی بر آن دلالت داشت؛ مقام سوم، توکل در مقام اطمینان بود که از آیاتی که در این مقام آمده است توصیه و رجحان توکل به دست می‌آمد. به این ترتیب، روشن شد که قوام ماهیت توکل بر ایمان و یقین استوار است و توکل تنها بر خداوند متعال صحیح است و از توکل به غیر خدا نهی شده است و دریافتیم که سه مرتبه در توکل از آیات و روایات به دست آمد. همچنین، با این تبیین موضوع حکم فقهی توکل - که در بیان مسأله بدان اشاره شد - نیز روشن شد.

کتابنامه

- إحياء علوم الدين، محمد بن محمد غزالي، بيروت: دار الكتاب العربي، [بی تا].
 الأخلاق، عبدالله شُبَّير، قم: مركز الغدير للدراسات الإسلامية، ۱۳۷۴ ش.
 اصول الفقه، محمد رضا مظفر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم، ۱۴۳۰ ق.
 الأمالی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
 تاج العروس، محمد بن محمد مرتضی زبیدی، بيروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
 تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين بقم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
 التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، بيروت - قاهره - لندن: دارالکتب العلمیة - مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم، ۱۴۳۰ ق.
 تردید و توکل، سید عبدالحسین دستغیب، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۲ ش.
 التعليقات على الشواهد الربوبية، هادی بن مهدی سبزواری، مشهد: المركز الجامعی للنشر، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.

- التوکل (سبيله - ثمرته - حقیقته)، احمد خليل جمعه، دمشق - بيروت: اليمامة، ۱۴۲۰ق.
- توکل از دیدگاه قرآن (بخشی از سخنرانی شهید بهشتی)، سید محمد بهشتی، اصفهان: مسجد امام علی علیه السلام، بی تا.
- توکل به خدا: راهی به سوی حرمت خود و سلامت روان، محمد صادق شجاعی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ش.
- التوکل - تیسیر فقه السلوک فی ضوء القرآن و السنة، یوسف قرضاوی، قاهره: مکتبه وهبه، ۱۹۹۵م.
- توکل راهی به سوی آرامش، یدالله طاهری، قم: وثوق، ۱۳۹۰ش.
- التوکل علی الله و الاخذ بالاسباب، احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، قاهره: الدار المصریة اللبنانیة، ۱۴۱۳ق.
- توکل و آرامش، محمد شجاعی، تدوین: مرکز تنظیم و نشر آثار استاد محمد شجاعی، قم: معیی، ۱۳۹۸ش.
- توکل و دلبستگی به خدا و نقش آن در تقویت روح و روان، جلیل بابا پور خیرالدین و مهدی پروین زاده لیلان، تهران: انتشارات استاد شهریار، ۱۳۹۷ش.
- توکل و رابطه آن با توسل (تفسیر آیات ۱۲۰ تا ۱۲۳ سوره هود)، سید محمد ضیاء آبادی، تهران: بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام بهاران، ۱۳۸۴ش.
- توکل و نقش آن در اجتماع، سید عبدالحسین دستغیب، یزد: کانون انتشارات جوادی، بی تا.
- توکل، رضا رفائی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۹۸ش.
- التوکل علی الله تعالى، عبد الله بن محمد بن ابی الدنيا، بیروت: دار البشائر الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- التوکل علی الله فی القرآن الکریم: دراسة فی التفسیر الموضوعی، معتوقة بنت محمد حسن بن زید بن حسان الحسانی، عربستان سعودی: جامعة أم القرى، ۱۴۲۱ق.
- جامع السعادات، مهدی بن ابی ذر نراقی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم، بی تا.
- الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، صدر المتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ سوم، ۱۹۸۱م.
- درسنامه فهم حدیث، عبد الهادی مسعودی، قم: سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، ۱۳۸۹ش.
- دروس فی علم الأصول (الحلقة الثالثة)، محمد باقر صدر، قم: مجمع الفکر الاسلامی،

۱۴۲۳ق.

روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، حسین بن علی ابوالفتح رازی، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۰۸ق.

شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، روح الله الموسوی خمینی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ بیستم، ۱۳۸۷ش.

شرح منازل السائرین خواجه عبد الله انصاری بر اساس شرح عبد الرزاق کاشانی، عبد الرزاق بن جلال الدین عبد الرزاق کاشی، ترجمه شیروانی، تهران: الزهراء علیها السلام، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.

الصباح، اسماعیل بن حماد جوهری، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.

الصحيفة السجادية، امام علی بن الحسین السجاد علیه السلام، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.

الفتوحات المکیة، محی الدین بن عربی، چهار جلد، بیروت: دار صادر، بی تا.

فرهنگ اصطلاحات اصول، مجتبی ملکی اصفهانی، قم، عالمه، ۱۳۷۹ش.

فقه تربیتی، علی رضا اعرافی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۱ش.

قاعدة فی الرد علی الغزالی فی التوکل، احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه، ریاض: دار الصمیعی، ۱۴۱۶ق.

قرب الإسناد، عبد الله بن جعفر حمیری، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.

کاربرد توکل در تحمل افزایی از دیدگاه قرآن، زینب پرهیزکار، تهران: گروه آموزشی مدرّس - سنجش و دانش، ۱۳۹۸ش.

الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

مجمع البحرين، فخرالدین بن محمد طریحی، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.

المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی وابسته به جامعة المدرّسین، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ش.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

معجم المصطلحات الأصولیة، محمد حسینی، بیروت: مؤسسه العارف للمطبوعات،

۱۴۱۵ق.

معجم مقاییس اللغة، احمد بن فارس، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
معراج السعادة، احمد بن محمد مهدی نراقی، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ ششم، ۱۳۷۸ش.

مفردات ألفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
منازل السائرین إلى الحق المبین لأبی إسماعیل الهروی، عبد الله بن محمد انصاری، به شرح سلیمان بن علی تلمسانی، قم: بیدار، ۱۳۷۱ش.
منازل السائرین لأبی اسماعیل عبدالله الأنصاری (شرح قاسانی)، عبدالرزاق بن جلال الدین عبدالرزاق کاشی، قم: بیدار، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.
نقش و جایگاه توکل در زندگی از منظر قرآن و نهج البلاغه، اشرف شکوری عسگرآباد، تهران: گروه آموزشی مدرس - سنجش و دانش، ۱۳۹۸ش.
«نقش تشکیل خانواده حدیث در فهم حدیث» (پایان نامه)، نرگس قاسمی فیروزآبادی، قم، دانشگاه قم - دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۸۹ش.
«بررسی اکتساب توکل از منظر فقه الاخلاق»، علی رضا اعرافی، سید نقی موسوی و احسان خلیلی، مطالعات فقه تربیتی، ۱۳۹۸، ش ۱۲، ص ۷۵ - ۹۴.
«بررسی مفهوم توکل و آثار آن بر زندگی اجتماعی انسان ها» مرضیه بهشتی، ریحانه نودهی، مشکوة، ۱۳۹۶، ش ۱۳۴، ص ۸۳ - ۱۰۰.
«تبیین ضرورت و چرایی توکل به خداوند متعال بر مبنای تحلیل محتوای آیات قرآن کریم» فتحیه فتاحی زاده، معصومه السادات سعیدی حسینی، محمد عترت دوست، آموزه های قرآنی، ۱۴۰۱، ش ۳۶، ص ۱۴۳ - ۱۷۲.
«گسترش موضوع فقه نسبت به رفتارهای جوانی»، علی رضا اعرافی؛ سید نقی موسوی، فقه دفتر تبلیغات اسلامی)، ۱۳۹۰، دوره ۱۸، ش ۷۰، ص ۸۷ - ۱۳۰.
«واکاوی معنای باب تفعل در واژه توکل با هدف تبیین موضوع حکم فقهی - اخلاقی - تربیتی» احسان خلیلی، علوم قرآن و حدیث (دانشگاه فردوسی مشهد)، آماده انتشار، ۱۴۰۲ق.